

مطالعه تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود

سیدعلی حسینی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).
alihosini620@gmail.com

سعید برزویی چقاگلانی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
Az.rash20@gmail.com

شماره ۴۰ / بهار ۱۴۰۰ (جلد سوم) / صص ۳۷-۵۰
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

سرمایه‌گذاران برای اخذ تصمیم‌های سودمند اقتصادی، نیازمند اطلاعات قابل اتکا و مربوط هستند و برای کسب آن، کیفیت سود افشای شرکت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. با افزایش سطح کیفی افشا در شرکت‌ها از میزان مدیریت سود مدیران کاسته می‌شود. هدف این پژوهش مطالعه تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر ارتباط بین متغیرها ترکیبی از علی-همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده حاصل از فرضیه‌ها نشان می‌دهد که شفافیت اطلاعات مالی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد و بیش اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود در سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: شفافیت اطلاعات مالی، بیش اطمینانی مدیریتی، مدیریت سود.

مقدمه

امروزه سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی واحدهای تجاری، توجه و تمرکز خود را به گزارشگری مالی و به‌خصوص رقم سود خالص گزارش شده، معطوف می‌کنند. پژوهش‌های اخیر مشخص شده است که سرمایه‌گذاران در فرایند تصمیم‌گیری، شرکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که سود آن‌ها از پایداری بالاتر و در واقع از کیفیت بالاتری برخوردار است. در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جنبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و به‌ویژه سرمایه‌گذاران شوند. مجموعه این اقدام‌ها به مدیریت سود تعبیر می‌شود که دارای جوانب مثبت و منفی است. جنبه مثبت

مدیریت سود شامل فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه‌ای قرار می‌گیرد. این در حالی است که جنبه منفی مدیریت سود می‌تواند جامعه فریب‌آمیزی بر تن کند و منجر به تقلب و گزارشگری و فساد در شرکت‌ها توسط مدیران شرکت شود (بداعی و بزازاده، ۱۳۸۶).

اصطلاح شفافیت در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است. منظور همان انتشار اطلاعات مالی و غیرمالی و اثرگذار یک شرکت در گزارش‌های مالی و غیرمالی است (هندریکسن و ون‌بردا^۱، ۱۹۹۲). اطلاعات شفاف را می‌توان به‌عنوان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی مدیران دانست. هر قدر توزیع اطلاعات در جوامع بیشتر باشد، امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و پاسخ‌گویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر و امکان رشد فساد نیز کاهش می‌یابد (واناث و کفمن^۲، ۱۹۹۲). از سوی دیگر، به همان اندازه نیز شرکت‌ها در ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی خود نسبت به ذی‌نفعان موفق عمل خواهند نمود و در نتیجه، ارائه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات حقه دولت خواهد شد (نوبخت، ۱۳۸۵).

تصمیم‌نهایی در مورد چگونگی واکنش شرکت، در واقع بازتابی از عکس‌العمل مدیر آن شرکت خواهد بود و نشان‌دهنده این است که آیا آن اشتباه دوباره تکرار خواهد شد یا نه. مدیران سخت‌کوش، اشتباه‌های خود، چگونگی انتقاد از شرکت و آنچه برای بهتر شدن باید انجام دهند را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. آن‌ها اشتباهات را به‌عنوان درسی با ارزش می‌پذیرند و به راه خود ادامه می‌دهند. مدیرانی که به بازخورد توجهی ندارند، آن‌هایی که باور ندارند یک اشتباه نتیجه آن چیزی است که آنان باید تحت کنترل در می‌آوردند و آن اشتباه را پیامد نیروهای خارجی و تصادفی می‌دانند، کسانی هستند که همان اشتباهات را مدام تکرار می‌کنند تا زمانی که به آن شرکت آسیب بزنند. به این‌گونه تورش رفتاری که ممکن است مدیران به آن مبتلا باشند، اعتماد بیش از حد مدیریتی گفته می‌شود (حساس‌یگانه و علوی‌طبری، ۱۳۸۲).

بیش‌اطمینانی، اعتقاد بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد است. مدیران بیش‌اطمینان در نتیجه این باور که اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران در اختیار ندارند)، دقت اطلاعات خود و به‌تبع آن، سودها و جریان‌های نقدی آینده واحد تجاری را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده دارند. بر این اساس، وجود شفافیت در فعالیت‌های واحد اقتصادی، درک سرمایه‌گذاران را از فعالیت‌های مدیریت سود افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی را تعدیل و نگرانی مالکان را از هزینه‌های پنهان اجتناب مالیاتی تقلیل می‌دهد، چرا که ارائه اطلاعات شفاف و اثرگذار از طرف واحدهای اقتصادی، امکان برآورد دقیق و صحیح سود واحد تجاری توسط تحلیل‌گران مالی را فراهم و باعث کاهش مدیریت سود توسط افراد درون سازمانی می‌شود. با توجه به موارد بیان شده هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی این مسأله است که تا چه اندازه بیش‌اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود تأثیرگذار است؟

مبانی نظری پژوهش

بیش‌اطمینانی مدیریتی

¹ Hendriksen & Van Breda

² Vishwanath & Kaufmann

اعتماد بیش از حد (فراطمینانی) یک پدیده شناخته شده و مستند شده در روان‌شناسی است. روان‌شناسان یک فرد با ویژگی‌های رفتاری فراطمینانی را به‌عنوان فردی تعریف می‌کنند که اعتقاد دارد اطلاعات و دانش ایشان بسیار دقیق است (بیش از آن‌چه که واقعیت دارد). به نظر هاید^۱ متون مربوط به روان‌شناسی دو تعریف از اعتماد بیش از حد ارائه داده‌اند. نخست، افراد برآورد بیش از واقع از توانایی‌های خود دارند. دوم، افراد یک رویداد را معین‌تر. از آن‌چه که در واقع هست، می‌بینند. در هر یک از این موارد، کارگزاران اقتصادی بر این باور هستند که اطلاعاتشان دقیق‌تر از دیگران است. در حال حاضر، اقتصاددانان مالی بیش‌تر علاقمند شده‌اند تا بازتاب فراطمینانی را بر روی تصمیم‌های مالی و عملکرد بازارهای مالی مشاهده کنند. اعتماد بیش از حد آن‌چنان پدیده روان‌شناختی قوی است که تجربه نیز نمی‌تواند آن را حذف کند (احمد و دوئلمن،^۲ ۲۰۱۲).

مقوله «غیرعقلایی و منطقی نبودن» مدیریت ناشی از تورش‌های رفتاری مدیران اجرایی شرکت، چالش بزرگی در ادبیات حاکمیت شرکتی است. در حالی که نقش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در ادبیات استاندارد و سنتی حاکمیت شرکتی منتج از نظریه‌های هزینه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی و تأثیر آن‌ها بر روی تصمیم‌های شرکتی است، با مطرح شدن مقوله خوش‌بینی و اعتماد بیش از حد مدیریتی، نقش آن‌ها بایستی هم‌راستا با کنترل چنین تورش‌های رفتاری و محدود کردن تأثیرات بالقوه رفتارهای مذکور بر روی استراتژی‌های شرکت باشد (مالمندیر و تاته،^۳ ۲۰۰۸). اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مهم‌ترین مفاهیم مالی رفتاری مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. اعتماد به نفس بیش از حد سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کم‌تر از حد تخمین زده، احساس کند روی مسائل و رویدادها کنترل دارد، در حالی که ممکن است در واقع این‌گونه نباشد (احمد و دوئلمن، ۲۰۱۲).

بیش‌اطمینانی پدیده‌ای شناخته شده در روان‌شناسی است. افراد درباره توانایی‌هایی خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند. به بیان دیگر به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند، البته ممکن است این احساس درونی را اظهار نکنند یا حتی خود نیز از آن غافل باشند. یکی از ریشه‌های وقوع بیش‌اطمینانی و اصلاح نشدن آن در نتیجه یادگیری این است که افراد مسئولیت موفقیت‌های خود را به عهده می‌گیرند و مسئولیت شکست را به دیگران نسبت می‌دهند. به بیان دیگر، افراد تمایل دارند موفقیت‌هایشان را به عوامل درونی، از جمله استعداد و بصیرتشان نسبت دهند و شکست‌هایشان را در عوامل بیرونی از جمله بدشانسی و اوضاع بد اقتصادی جست‌وجو کنند. از سوی دیگر، افراد به موفقیت‌های خود اعتبار بیشتری می‌دهند تا به شکست‌هایشان (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰).

علت وجودی بیش‌اطمینانی آرامشی است که افراد از آن به دست می‌آورند. بیش‌اطمینانی با نسبت دادن موفقیت‌ها به خود، به مرور زمان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افراد به دنبال اثبات خود به دیگران نیز هستند تا تحسین آن‌ها را برانگیزند؛ بنابراین گاهی درباره موفقیت‌های قبلی خود برای دیگران اغراق می‌کنند که از نظر درونی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و موجب تشدید پدیده بیش‌اطمینانی می‌شود. به گفته دیگر، در بیان اغراق‌آمیز موفقیت‌ها، خود فرد بیش از دیگران تحت تأثیر سخنانش قرار می‌گیرد. مطالعات در این زمینه نشان داده است مشاغلی که به قضاوت نیاز دارند، بیش از مشاغل دیگر دچار بیش‌اطمینانی می‌شوند؛ ضمن آنکه هرچه تخصص افراد بیشتر باشد، در معرض بیش‌اطمینانی بیشتری قرار می‌گیرند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰).

¹ Hvide

² Ahmed & Duellman

³ Malmendier & Tate

مدیران بیش اطمینان بازده‌های آتی پروژه‌های واحد تجاری را بیشتر برآورد می‌کنند. از این رو ممکن است احتمال و بزرگی شوک‌های مثبت جریان‌های نقدی آتی حاصل از این پروژه‌ها را بیشتر برآورد کنند و در مقابل برآورد کمتری از شوک‌های منفی داشته باشند. آن‌ها بر این باورند واحد تجاری تحت مدیریتشان در بازار سرمایه کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده است و ترجیح می‌دهند از منابع تأمین مالی خارج از سازمان کمتر استفاده کنند. به بیانی، انتظار می‌رود سود نقدی کمتری تقسیم کنند (ایشیکاوا و تاکاهاشی^۱، ۲۰۱۰).

مهم‌ترین مشکل بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران، اندازه‌گیری آن است. تاکنون معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی ارائه شده است. یکی از این معیارها، تصمیم‌های مدیران در خصوص اعمال اختیار خرید سهام آن‌ها است؛ مدیران ریسک‌گریز تمایل دارند اختیار سهام خود را زودتر اعمال کنند، اما مدیرانی که به صورت داوطلبانه اختیارهای ارزشمند خود را به مدت طولانی‌تری حفظ می‌کنند، به‌طور احتمال نسبت به توانایی‌های خود و چشم‌انداز شرکت بیش‌اطمینان هستند. معیار دیگر بیش‌اطمینانی، خالص خرید سهام شرکت توسط مدیر است؛ مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران، سهام شرکت خود را بیشتر می‌خرند. معیار دیگر شهرت رسانه‌ای و پاداش نسبی مدیران است. انتظار بر این است مدیرانی که ارزیابی عملکرد بالایی دارند، پاداش زیادی دریافت می‌کنند و شهرت رسانه‌ای خوبی دارند، تمایل بیشتری به بیش‌اطمینانی داشته باشند. معیارهای فوق، معیارهای غیرمستقیمی از عقیده مدیران است. معیار دیگری که شاخص مستقیم‌تری از عقیده مدیران و بیش‌اطمینانی آن‌هاست، سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران است (لین و همکاران^۲، ۲۰۰۵).

شفافیت گزارشگری مالی

این مفهوم بیان می‌کند که هیچ یک از اطلاعات بااهمیت نباید از صورت‌های مالی حذف شده یا پنهان شود تمام ذی‌نفعان شرکت (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، مشتریان، دولت و جامعه) حق دارند درباره شرکت اطلاعاتی دریافت نمایند. موضوع مهم این است که افشا تا چه اندازه باید صورت گیرد. هندریکسون^۳ (۱۹۸۲) به سه جنبه مهم از افشا اشاره می‌کند: افشای کافی، صادقانه و کامل. افشای کافی به معنای حداقل میزان افشای لازم برای جلوگیری از گمراه کننده بودن صورت‌های مالی است. افشای صادقانه ناشی از الزام‌های اخلاقی مبنی بر ارائه اطلاعات برابر برای گروه‌های استفاده‌کنندگان بالقوه است. افشای کامل نیز به معنای ارائه تمام اطلاعات مربوط است. اصل افشای کامل یکی از مفاهیمی است که نظریه‌پردازان حسابداری اسلامی روی آن اتفاق نظر دارند. علاوه بر این، مطالعات نشان می‌دهد مفهوم افشای کامل، ۱۴ قرن پیش از ظهور آن در رویه‌های مدرن حسابداری، در اسلام وجود داشته است (القبانی^۴، ۱۹۸۳).

افشا به‌عنوان یکی از اصول حسابداری مطرح است و براساس این اصل، باید کلیه‌ی اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت به نحو مناسب و به‌موقع در اختیار گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار می‌گیرد. در واقع هدف اصلی از افشا عبارت است از؛ کمک به استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش‌بینی جریان‌ات و جوه نقد آتی. در این راستا باید کلیه واقعیت‌های با اهمیت واحد اقتصادی به گونه‌ای مناسب و کامل افشا شوند، تا امکان اتخاذ تصمیم فراهم گردد و از سردگمی جلوگیری به‌عمل آورد. افشاء باید از طریق گزارش‌های قانونی شامل صورت‌های مالی اساسی که حاوی تمامی اطلاعات با اهمیت، مربوط و به‌موقع باشد و این اطلاعات به گونه‌ای قابل فهم و

¹ Ishikawa & Takahashi

² Lin & Hu & Chen

³ Hendrickson

⁴ Al-Qabbani

حتی‌الامکان کامل ارائه گردد؛ تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم سازد (ملکیان و سیدآبادی، ۱۳۹۰).

هندریکسن و ون‌بردا^۱ در تعریف افشاء آورده‌اند:

"افشا در حالت کلی به معنای انعکاس اطلاعات است. اما حسابداران از این واژه معنای محدودتری را در نظر می‌گیرند و آن را به معنای انعکاس اطلاعات مالی واحد تجاری در قالب گزارش‌های مالی می‌دانند، که به‌طور معمول به صورت سالیانه ارائه می‌شود (هندریکسن و ون‌بردا، ۱۹۹۲).

بلکویی، افشا را دربرگیرنده‌ی اطلاعاتی می‌داند که برای سرمایه‌گذار معمولی مفید واقع شود و موجب گمراهی خواننده نگردد. به صورتی آشکارتر، اصل افشا بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهم مورد توجه و علاقه سرمایه‌گذار معمولی نباید حذف و یا پنهان شود (بلکویی^۲، ۲۰۰۰).

ولک و تزنی^۳ افشا را دربرگیرنده‌ی اطلاعات مالی مربوط، اعم از اطلاعات داخل و خارج از صورت‌های مالی می‌دانند. همچنین افشای اطلاعات بودجه‌ای را به‌عنوان یکی از موارد افشای خارج از متن صورت‌های مالی، معرفی می‌کنند (ولک و تزنی، ۱۳۸۷).

عوامل تعیین‌کننده کیفیت افشای اطلاعات حسابداری، متعدد هستند. پانانن و لین^۴ کیفیت افشای اطلاعات حسابداری تابعی از عوامل مختلف شامل ساختار سرمایه، نوع مالکیت، رشد فروش، اندازه شرکت و همچنین وضعیت سهام شرکت در بازار سرمایه می‌شناسند (پانانن و لین، ۲۰۰۹).

پنمن^۵ کیفیت افشای اطلاعات را متأثر از کیفیت استانداردهای حسابداری، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود می‌داند (پنمن، ۲۰۰۳). تونا و همکاران کیفیت افشاء را در اثرگذاری به هنگام اطلاعات حسابداری بر شاخص‌های بازار نظیر قیمت و بازده سهام می‌دانند. همچنین آن‌ها یکی از ویژگی‌های کیفیت افشاء را تایید پیش‌بینی‌های قبلی می‌شناسند (تونا و همکاران^۶، ۲۰۰۶).

ناگار و همکاران^۷ بهبود کیفیت افشاء را عاملی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه‌های نمایندگی میان سهامداران و مدیران می‌دانند. آن‌ها در پژوهشی دریافتند که هرگاه پاداش مدیران بر پایه قیمت سهام تعیین گردد، میان پاداش مدیران و کیفیت افشاء رابطه‌ای مثبت وجود دارد (ناگار و همکاران، ۲۰۰۳).

مدیریت سود

فلسفه مدیریت سود بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. اصول تطابق و محافظه‌کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود. بنابر گفته گتسو^۸ شرکت کار باید سود سه ماهه نخست سال مالی خود را بدون اضافه نمودن به موجودی نقد و تنها با استفاده از روش‌های تعهدی حسابداری استهلاک معافیت‌های مالیاتی

¹ Vnbrda

² Belkaoui

³ Volek & Tezni

⁴ Paananen & Lin

⁵ Penman

⁶ Tuna & et al

⁷ Nagar & et al

⁸ Gatsho

سرمایه‌گذاری‌ها و به حساب دارایی بردن بهره افزایش داد. مدیران شرکت تأکید کرده‌اند که این کار برای ارائه‌ی صورت‌های مالی واقعی‌تر و قابل مقایسه کردن صورت‌های مالی شرکت با سایر شرکت‌های در صنعت مشابه صورت گرفته است (بیدل و هیلاری^۱، ۲۰۰۹).

تحلیل‌گران مالی و حساب‌رسان از این پدیده به‌عنوان ترفند حسابداری نام می‌برند. این در حالی است که تمامی این اقدامات در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری صورت گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها از روی قصد سودهای گزارش شده را با استفاده از انتخاب سیاست‌های حسابداری خاص خود تغییر در برآوردهای حسابداری و ارقام تعهدی دستکاری می‌کنند تا به هدف‌های مورد نظر خود برسند (مرادزاده‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲).

تحلیل‌گران مالی انتظار دارند که شرکت‌ها به پیش‌بینی‌های انجام گرفته برسند و مغایرتی نداشته باشند این مهم برای شرکت‌هایی که قابل اتکاءتر هستند بیشتر صادق است. در مغایرت منفی صاحبان سود مدیریت سود را تقلب می‌دانند در حالی که در مغایرت مثبت مدیریت سود را اقدامی بدون مشکل و طبق صلاحدید مدیریت قلمداد می‌نمایند. برخلاف اینکه اکثر افراد هموارسازی را سوءاستفاده از انعطاف‌پذیری در گزارشگری می‌دانند به نظر ما مدیران با خرد که هدفشان افزایش ارزش شرکت‌هایشان می‌باشد در چارچوب الزام‌های قانونی و حسابداری اقدام به بیشتر کردن ارزش شرکت تحت نظر خود استفاده می‌نمایند (خدایی و یحیایی، ۱۳۸۹).

بازی با «ارقام مالی» می‌تواند تأثیر کاملاً منفی در هنگام کشف شدن باقی گذارد. «با استفاده از حسابداری مدیریت سود مدیریت می‌تواند تصورات سایرین نسبت به عملکرد شرکت‌اش را تغییر دهد ارزیابی قدرت سودآوری شرکت ممکن است به اشتباه تعبیر شود و باعث تعیین عملکرد شرکتش را تغییر دهد. ارزیابی قدرت سودآوری شرکت ممکن است به اشتباه تعبیر شود و باعث تعیین نامناسب قیمت اوراق بدهی و سرمایه شود. هنگامی که اشتباهاتی کشف می‌شود شرکت دیگر اطمینان بازار را به دست نخواهد آورد. و این باعث کاهش شدید قیمت اوراق بدهی و سرمایه‌اش خواهد شد (جونز و مارشا^۲، ۲۰۱۱).

پیشینه پژوهش

ابراهیمی و سربازی آزاد (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی به پرداختند و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، نشان‌دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین بیش‌اطمینانی مدیریت براساس هر دو شاخص بیش‌اطمینانی مدیریت مبتنی بر سرمایه‌گذاری و اهرم مالی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی است.

قربانی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به تأثیر افشای اطلاعات استراتژیک، غیرمالی و مالی بر مدیریت سود پرداختند و نتایج پژوهش نشان می‌دهد افشای اطلاعات استراتژیک، غیرمالی و مالی اثر معناداری بر مدیریت سود دارد. بدین ترتیب که افزایش افشای اطلاعات مالی منجر به کاهش مدیریت سود شده است در حالیکه با افزایش افشای اطلاعات استراتژیک و غیرمالی مدیریت سود نیز افزایش یافته است.

¹ Bidell & Hilary

² Jones & Marsha

مهدوی اصل و دارایی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی شرکت بر هزینه سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد اجزای شفافیت گزارشگری مالی تأثیر معکوسی بر هزینه سرمایه شرکت‌ها دارد.

حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط منفی معناداری برقرار است. براساس بررسی‌های بیشتر، بیش‌اطمینانی مدیریت بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت، تأثیر معناداری ندارد.

فخاری و محمدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد این یافته‌ها می‌تواند برای خطمشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد. چانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و جریان‌های نقد آزاد زیاد را در شرکت‌های با رشد کم مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که مدیران شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و رشد کم، از اقلام تعهدی اختیاری افزایش دهنده سود استفاده می‌کنند تا سودهای کم و زیان‌های حاصل از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی را از بین ببرند.

اسلی و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود بر نقدشوندگی بازار پرداختند و از سه معیار برای ارزیابی مدیریت سود استفاده کرده‌اند که یکی از معیارها اقلام تعهدی است و دو معیار دیگر مربوط به معیارهای مدیریت سود واقعی هستند که شامل جریان نقد عملیاتی و هزینه‌های اختیاری است و برای ارزیابی نقدشوندگی بازار نیز از معیار عدم نقدشوندگی آمیهود^۳ و معیار کی وی استفاده کردند؛ طبق نتایج به دست آمده، مدیریت سود مبتنی بر هزینه‌های اختیاری غیرعادی (مدیریت واقعی سود) با معیار عدم نقدشوندگی رابطه مستقیم و معناداری دارد.

آندراده و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین شفافیت صورت‌های مالی و هزینه بدهی پرداختند. آن‌ها شواهدی ارائه کردند که نشان می‌دهد با افزایش شفافیت گزارشگری مالی، هزینه بدهی شرکت کاهش می‌یابد. آن‌ها دریافتند بهبود کیفیت گزارشگری مالی درک شده توسط سرمایه‌گذاران، باعث صرفه‌جویی مبلغ قابل توجهی در هزینه‌های مالی شرکت می‌شود و همچنین دریافتند که میزان شفافیت صورت‌های مالی بر قیمت‌گذاری قراردادهای بدهی تأثیرگذار است.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به منظور دستیابی به اهداف فوق، فرضیه‌های ذیل ارائه می‌گردد.

فرضیه اول: شفافیت اطلاعات مالی با مدیریت سود رابطه معناداری دارد.

فرضیه دوم: بیش‌اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شده است:

¹ Chung & et al

² Asli & et al

³ Amyhud

⁴ Andrade & et al

معادله (۱).

$$TCA_{it} = \beta_0 \pm \beta_1 MO_{it} \pm \beta_2 Rq_{it} \pm \beta_3 MO_{it} * Rq_{it} \pm \beta_4 SIZE_{it} \pm \beta_5 LEV_{it} \pm e_{it}$$

که در معادله فوق:

TCA شاخص مدیریت سود شرکت i در سال t؛

MO شاخص بیش اطمینانی مدیریتی شرکت i در سال t؛

Rq شاخص شفافیت اطلاعات مالی شرکت i در سال t؛

SIZE شاخص اندازه شرکت، شرکت i در سال t؛

LEV اهرم مالی شرکت i در سال t؛

نحوه اندازه‌گیری متغیرها به شرح جدول (۱) است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرها

متغیرها	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
بیش اطمینانی مدیریتی	تعدیل‌گر	متغیر مجازی است که اگر باقی‌مانده مدل اطمینان بیش از حد مدیریتی سال بررسی بزرگ‌تر از صفر باشد، برابر با یک است و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته خواهد شد.
شفافیت اطلاعات مالی	مستقل	از متغیر موهومی صفر و یک استفاده شده است
مدیریت سود	وابسته	شاخص کیفیت ارقام تعهدی
اندازه شرکت	کنترلی	\ln تعداد سهام \times قیمت سهام
اهرم مالی	کنترلی	بدهی جاری/کل دارایی‌ها

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ که بالغ بر ۵۳۵ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌ها ۱۳۳ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است.

به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت - سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
شفافیت اطلاعات مالی	Rq	۶۶۵	۰/۱۳۱	۰/۱۲۸	۰/۰۶۵	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
بیش‌اطمینانی مدیریتی	MO	۶۶۵	۰/۱۱۷	۰/۱۰۸	۰/۰۵۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
مدیریت سود	TCA	۶۶۵	۰/۰۸۲	۰/۰۷۸	۰/۱۰۶	۰/۴۳۱	-۰/۱۴۳
اهرم مالی	LEV	۶۶۵	۰/۴۱۹	۰/۴۰۳	۰/۱۹۲	۱/۸۶۵	۰/۱۰۳
اندازه شرکت	SIZE	۶۶۵	۱۰/۶۵	۱۰/۳۰	۱/۱۳	۱۳/۸۴	۸/۶۰۳

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۴-۱۳۹۸) و داده‌های مقطعی ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایویوز ۹ می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل پژوهش	۲۲/۰۶۸	۰/۰۰۰۰	H0 رد می‌شود.

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل‌ها، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره خی‌دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چی‌دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، H0 مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	۴۳/۸۷۳	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون H_0 بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگتر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچکتر از ۵ درصد باشد H_0 رد، و باید از مدل اثرات ثابت استفاده شود.

طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل پژوهش (۴۳/۸۷۳) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ صدم است، لذا H_0 رد می‌شود. رد H_0 نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۵۲۳	۰/۲۴۱	۲/۱۶۴	۰/۰۰۰۰
بیش اطمینانی مدیریتی	$\beta_1(MO)$	۰/۰۵۹	۰/۰۰۸	۶/۹۷۸	۰/۰۰۰۰
شفافیت اطلاعات مالی	$\beta_2(Rq)$	-۰/۱۴۹	۰/۰۵۹	۵-۵/۷۶۶	۰/۰۰۰۱
بیش اطمینانی مدیریتی*شفافیت اطلاعات	$\beta_3(MO*Rq)$	۰/۹۷۲	۰/۳۱۰	۳/۱۲۷	۰/۰۱۲۰
اندازه شرکت	$\beta_4(SIZE)$	۰/۱۳۵	۰/۰۴۶	۲/۹۱۱	۰/۰۰۴۷
اهرم مالی	$\beta_5(LEV)$	-۰/۳۶۲	۰/۰۸۱	-۴/۴۵۳	۰/۰۰۱۲
آماره F		۱۹/۴۳۷			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۹۵			
ضریب تعیین (R^2)		۰/۳۴۷			
ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)		۰/۳۲۵			

با توجه به نتایج آزمون مدل پژوهش، سطح معنای داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۹۵) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_2 نتایج آزمون نشان می‌دهد شفافیت اطلاعات مالی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد، بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان می‌دهد بیش اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد، بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_4 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_5 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۳۲ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه گیری کلی

امروزه سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی واحدهای تجاری، توجه و تمرکز خود را به گزارشگری مالی و به خصوص رقم سود خالص گزارش شده، معطوف می‌کنند. پژوهش‌های اخیر مشخص کرده است که سرمایه‌گذاران در فرایند تصمیم‌گیری، شرکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که سود آن‌ها از پایداری بالاتر و در واقع از کیفیت بالاتری برخوردار است. در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جنبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و به‌ویژه سرمایه‌گذاران شوند. مجموعه این اقدام‌ها به مدیریت سود تعبیر می‌شود که دارای جوانب مثبت و منفی است. جنبه مثبت مدیریت سود شامل فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه‌ای قرار می‌گیرد. این در حالی است که جنبه منفی مدیریت سود می‌تواند جامه فریب‌آمیزی بر تن کند و منجر به تقلب و گزارشگری و فساد در شرکت‌ها توسط مدیران شرکت شود. هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ انجام گرفته است. تأثیر متغیرها با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت در شرکت‌ها بررسی شده است. نتایج به‌دست آمده حاصل از فرضیه‌ها نشان می‌دهد که شفافیت اطلاعات مالی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد در تبیین این نتیجه می‌توان بیان نمود که نیل به اهداف بلندمدت اقتصادی در گرو عملکرد مناسب بازارهای مالی است و عملکرد مناسب بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه، در گرو وجود اطلاعاتی با کیفیت بالا است اطلاعات باکیفیت علاوه بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت شرکت و سرمایه‌گذاران بیرونی، عدم تقارن اطلاعاتی بین معامله‌گران را نیز کاهش می‌دهد بنابراین افشای اطلاعات می‌تواند ناکارایی اطلاعاتی را کم کرده و از این طریق بر بهبود شرایط بازار و کاهش مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر بگذارد. وجود شفافیت از یک سو به سهامداران خرد اطمینان می‌دهد که همواره اطلاعات قابل اتکاء و به‌موقع در خصوص ارزش شرکت را دریافت خواهند کرد و سهامداران عمده و مدیران در پی تضييع حقوق آن‌ها نیستند و از سوی دیگر مدیران برای تلاش در جهت افزایش ارزش شرکت، به‌جای پیگیری منافع کوتاه‌مدت شخصی ترغیب می‌شوند. در نتیجه می‌توان از میزان و شدت رسوایی‌های مالی به میزان قابل توجهی بکاهد.

بیش‌اطمینانی مدیریتی بر رابطه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود در سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان نمود که امروزه مقوله مدیریت سود، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است؛ به‌طوری که محققان بیشتر به دنبال دلایل و انگیزه‌های مدیریت سود هستند. یکی از عوامل مؤثر بر مدیریت سود، بیش‌اطمینانی مدیران است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران بیش‌اطمینانی است؛ مدیران نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود، خوش‌بین هستند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. مدیران بیش‌اطمینان در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند، دقت اطلاعات خود و به‌تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آینده واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند مدیریت سود به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر انتظاراتی در مورد سودهای آینده است و بیش‌اطمینانی مدیریت بر این انتظارات اثر می‌گذارد. عدم شفافیت اطلاعاتی، نظارت سرمایه‌گذاران بر رفتار مدیران تسهیل شده و نگرانی آنان در خصوص مسائل نمایندگی و بیش‌اطمینانی مدیریتی شرکت، را افزایش می‌دهد. با افزایش سطح بیش‌اطمینانی مدیریتی از مشکلات نمایندگی

و عدم تقارن اطلاعاتی میان نمایندگان و سهامداران و سایر ذی‌نفعان شرکت کاسته نشده که نتیجه آن کاهش سطح کیفی شفافیت و افشا در شرکت‌ها و به دنبال آن، افزایش فرصت مدیریت سود در شرکت‌ها که ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی است، افزایش می‌یابد.

پیشنهاد‌های مبتنی بر نتایج پژوهش

با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که با الزام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به رعایت معیارهای افشا و شفافیت این مؤسسه، علاوه بر کمک به بازار سرمایه ایران در جهت تطابق با استانداردهای بین‌المللی، موجب کاهش مدیریت سود در ابعاد مختلف آن شوند. به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود، به‌منظور بهبود کیفیت محیط اطلاعات شرکت تلاش کنند، چرا که بهبود کیفیت محیط اطلاعات درک بهتری از محیط عملیاتی شرکت در اختیار آن‌ها می‌گذارد. از این‌رو، آن‌ها را قادر می‌سازد که تصمیم‌های تجاری بهتری با راهبردهای جامع‌تر بگیرند و فرصت‌های برنامه‌ریزی برای عملکرد بهتر شرکت را تعیین کنند.

با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که هنگام تجزیه و تحلیل برای خرید سهام شرکت‌ها به متغیرهایی چون بیش‌اطمینانی مدیران توجه نمایند چون این متغیر منجر به کاهش محافظه‌کاری و در نهایت افزایش مدیریت سود می‌شود. به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود قوانین و مقرراتی را اتخاذ نمایند تا در جهت حمایت از حقوق ذی‌نفعان بیش‌اطمینانی مدیران در شرکت‌ها تعدیل شود و بدین ترتیب زمینه شفاف‌سازی اطلاعات و درک عملکرد بهتر مدیران و کاهش دستکاری سود فراهم گردد. به مدیران پیشنهاد می‌شود که بیش‌اطمینانی و شفافیت اطلاعات شرکت توجه نمایند و از خدمات حسابرسان مورد اعتماد استفاده نمایند، چون کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش بیش‌اطمینانی مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌دهد. بدین ترتیب شفافیت اطلاعات بالاتر و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی کاهش در نتیجه این موارد منجر به نظارت بیشتر بر مدیریت شرکت و در نهایت کاهش مدیریت سود می‌گردد.

منابع

- ✓ ابراهیمی، سید کاظم، سربازی آزاد، صادق، (۱۳۹۶)، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۱۶.
- ✓ حساس‌یگانه، یحیی، حسنی‌القار، مسعود، مرفوع، محمد، (۱۳۹۴)، بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۳۶۳-۳۸۴.
- ✓ حساس‌یگانه، یحیی، علوی‌طبری، حسین، (۱۳۸۲)، رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۷۱-۹۶.
- ✓ خدایی، محمد، یحیایی، منیره، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت، دوره ۳، شماره ۵، صص ۱-۱۵.
- ✓ دستگیر، محسن، بزاززاده، حمیدرضا، (۱۳۸۲)، تأثیر میزان افشاء بر هزینه سهام عادی، تحقیقات مالی، دوره ۵، شماره ۱۶.

- ✓ سعیدی، علی، فیروزی، مرضیه، عبدالی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و بازده سهام، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری.
- ✓ فخاری، حسین، محمدی، جواد، حسن نتاج کردی، محسن (۱۳۹۵)، بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۳۰-۱۵۴.
- ✓ قربانی، بهزاد، حسینی، سیدجلال الدین، محمدیلر، زهرا، (۱۳۹۶)، تأثیر افشای اطلاعات استراتژیک، غیرمالی و مالی بر مدیریت سود، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۲۳-۴۰.
- ✓ مرادزاده‌فرد، هدی، رضایور، نرگس، فرزانی، حجت‌اله، (۱۳۹۲)، بررسی نقش مدیریت اقلام تعهدی در نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۱۶.
- ✓ ملکیان، اسفندیار، سیدآبادی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر اندازه و نسبت‌های مالی بر افشای کامل صورت‌های مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- ✓ مهدوی‌اصل، خدیجه، دارایی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی شرکت بر هزینه سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران.
- ✓ نویخت، زهرا، (۱۳۸۵). ارزیابی شفافیت اطلاعات شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، ماهنامه بورس، شماره ۵۴ و ۵۵.
- ✓ ولک و ترنی، (۱۳۸۷)، تئوری حسابداری: روش ادراکی و نهادی، جلد اول، ترجمه پارسائیان، علی، انتشارات ترمه.
- ✓ هندریکسن و ون بردا، (۱۹۹۲)، تئوری حسابداری، ترجمه: پارسائیان، علی، انتشارات ترمه.
- ✓ Ahmed, A. & Duellamann S. (2012). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*. 51 (1): 1-30.
- ✓ Andrade. C. Sandro, Bernile. Gennaro, Hood. M. Frederick (2017). SOX, Corporate Transparency, And the Cost of Debt” *Journal of Financial Intermediation*, Volume 18, Issue 4, 541-558
- ✓ Al-Qabbani. C, (1983). Disclosure Level and the Cost of Equity Capital “*The Accounting Review*, Vol. 72, No. 3, pp. 323-349.
- ✓ Asli, A., Shantaram P. H., Gopal V. K., John B. (2017). Earnings management and market liquidity. *Rev Quant Finan Acc* .38:257-274.
- ✓ Belkaoui, A. (2000). *Accounting Theory*. London: International Thomson Business Press.
- ✓ Biddle, G. & Hilary, G. (2009). Accounting quality and firm-level capital investment”. *The Accounting Review*, Vol.
- ✓ Chung, R., Firth, M. & Kim, J.B. (2017) Earnings Management, Surplus Free Cash Flow, and External Monitoring, *Journal of Business Research*, 58, 766 –776.
- ✓ Ishikawa, H. Takahashi, k. (2010). Overconfident managers and external financing choice. *Review of behavioral finance*, 2 (1): 37-58.
- ✓ Jonz, S. & Marsha, M. (2011). Economic consequences of firms depreciation method choice: evidence from capital investments. *Journal of Accounting and Economics*.
- ✓ Lin, Y.-H., Hu, S.-Y., & Chen, M.-S. (2005). Managerial optimism and corporate investment: Some empirical evidence from Taiwan. *Pacific- Basin Finance Journal*, 13 (5): 523-546.
- ✓ Malmendier, U. & Tate, G. (2008). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60 (6): 661-700.

- ✓ Nagar V., Nanda, D. & Wysocki, P. (2003) " Discretionary Disclosure and Stock – based Incentive, Journal of Accountin.
- ✓ Paananen, M. & Lin, H. (2009), "The Development of Accounting quality of IAS and IFRS over Time: the case of Germany, Journal of International Accounting Research, Vol 8, No 1, PP.31-55.
- ✓ Penman Stephen H. (2003). Financial statement Analysis and Security Valuation" MC Graw Hill PP 601-605.
- ✓ Tuna Irem, Ng. Jeffrey & Verdi Rodrigo (2006). Management Forecasts, Disclosure Quality and Market Efficiency" www.ssrn.com, pp. 1-32.
- ✓ Vishwanath T., Kaufmann, D. (1999). Towards Transparency in Finance and Governance. The World Bank, Draft.